

## بررسی علل آسیب‌پذیری نظام آموزشی در پرورش هویت دینی دانش‌آموزان

نوع مقاله: پژوهشی

معصومه صمدی\*

E-mail: fsamadi30@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۹

### چکیده

پرورش هویت دینی از اولویت‌های نظام‌های آموزشی به‌ویژه آموزش و پرورش است که همواره با آسیب‌هایی مواجه است. از این‌روست که هدف این پژوهش بررسی علل آسیب‌پذیری نظام آموزشی در پرورش هویت دینی دانش‌آموزان است. روش پژوهش کیفی است. جامعه تحلیلی متخصصان تعلیم و تربیت، مدیران، مربیان پرورشی و دبیران تعلیمات دینی مدارس دخترانه متوسطه دوره دوم شهر تهران است که با روش نمونه‌گیری هدفمند بر اساس تجربیات، دغدغه‌مندی، علاقه‌مندی آن‌ها به موضوع و شرکت در مطالعه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل مضمون بود که به‌صورت هم‌زمان و پیوسته با فرایند جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل انجام شد. یافته‌های حاصله حاکی از این است که عوامل علی آسیب‌پذیری در پرورش هویت دینی عبارت از ضعف سیاست‌گذاری نظام آموزشی در حوزه‌های مختلف از جمله رویکرد، تربیت نیروی انسانی، برنامه‌ریزی درسی تعلیمات دینی و گسست ارتباطی بین عوامل مؤثر در تربیت است. عوامل زمینه‌ای آسیب‌پذیری پرورش هویت دینی عبارت از کم‌توجهی به مقتضیات رشدی نوجوانان، کم‌توجهی به ضعف خانواده‌ها در امر تربیت دینی فرزندان، نگاه ایدئولوژیک نظام سیاسی به دین است و در بخش عوامل مداخله‌گر می‌توان از مدرنیسم، عملکرد ضعیف نهادهای دینی، رسانه و گروه دوستان یاد نمود. بر این اساس، لازمه مواجهه با عوامل آسیب‌پذیر پرورش هویت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش رسمی و عمومی، بازاندیشی در نقش عوامل سه‌گانه مؤثر در پرورش هویت دینی است.

**کلیدواژه‌ها:** آسیب‌پذیری، نظام آموزشی، هویت دینی، دانش‌آموزان.



### مقدمه و طرح مسئله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به برکت فضای معنوی جامعه، مسئولان جمهوری اسلامی و به تبع آن سیاست‌گذاران نظام آموزشی با توجه به رسالتی که برای تربیت دینی افراد جامعه و به خصوص قشر نوجوان و جوان قائل بودند سعی وافری برای دمیدن روح تعلیمات اسلامی به فضای جامعه از خود نشان دادند. با پذیرش این اصل که کیفیت و مطلوبیت برنامه تعلیم و تربیت هر کشور رمز توسعه و پیشرفت آن کشور است و هویت دینی یکی از ابعاد اصلی هویت است. هویت دینی پدیده‌ای چندوجهی است و متضمن سطحی از دین‌داری است که به «ما»ی جمعی با همان اجتماع دینی مربوط می‌شود. در حقیقت هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق به دین و جامعه‌ی دینی است. هویت دینی مجموعه باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و درنهایت رفتارهای فردی و اجتماعی است که در رابطه با امر دینی صادر می‌شود (بداشتی، ۱۳۹۷: ۶۶).

جهت پرورش هویت دینی فعالیت گسترده‌ای در سطح فرهنگ عمومی جامعه و نظام‌های آموزشی به‌ویژه آموزش و پرورش انجام شد. ایجاد معاونت پرورشی در وزارت آموزش و پرورش، افزایش ساعات دروس دینی، قران و عربی، ایجاد درس پرورشی، اجرای مراسم مذهبی و تسری آموزه‌های مذهبی در کلیه برنامه‌های درسی و پرورشی، اجرای طرح امین (اعزام طلاب به مدارس) جهت تبلیغ دین و آموزه‌های دینی از جمله این اقدامات بوده است. بررسی‌های به‌عمل‌آمده از قبیل (شمشیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۵)؛ (صمدی، ۱۳۹۶: ۳۰)؛ (عوض‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹)؛ (دینانی، ۱۳۹۷: ۱۴)؛ (فراستخواه، ۱۳۹۱: ۱۹۶)؛ (محمودی، ۱۳۹۰: ۷)؛ (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۹)؛ (شجاعی‌زند، ۱۳۹۵: ۷)؛ (دشتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۱)؛ (حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴: ۹۹)؛ (تقوی راد، ۱۳۹۱)؛ (مزیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷)؛ (خسروخاور، ۱۳۹۳: ۶۵)؛ (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵)؛ (باقری، ۱۳۹۲: ۴۴)؛ (بهرامی، ۱۳۸۳: ۳۸)؛ (فراستخواه، ۱۳۹۱: ۱۹۵)؛ (اسدی، ۱۳۹۰)؛ (قهرمانی فرد و قلعه‌ای، ۱۳۹۰: ۷۳) همگی مؤید این نکته است که پرورش هویت دینی دانش‌آموزان در مدارس از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و گاه عملکردهای نظام آموزش و پرورش در تربیت دینی دانش‌آموزان با تأثیراتی معکوس همراه گردیده و باعث شده است تا ناکارآمدی‌های مذکور در بحران‌آفرینی رفتار دینی نوجوانان سهم داشته باشد و بین وضع موجود و مطلوب پرورش هویت دینی فاصله ایجاد کند. وجود این فاصله می‌تواند به بحران‌های روحی و فکری، فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، شکسته شدن حریم‌های فردی

و اجتماعی و بی‌هویتی دانش‌آموزان در تربیت دینی منجر شود. از این‌رو بررسی علل عدم دستیابی نظام آموزش و پرورش به اهداف خود در زمینه پرورش هویت دینی دانش‌آموزان وجه مسئله خیز این پژوهش است؛ بنابراین سؤالی که مطرح است این است که عوامل آسیب‌زای نظام آموزشی در پرورش هویت دینی دانش‌آموزان چیست؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هویت دینی از انواع مهم هویت‌های جمعی است و به معنی پابندی و آگاهی از اصول و شعائر مذهب اسلام است به گونه‌ای که بر زندگی فردی و اجتماعی تأثیرگذار باشد (عبدی زرین و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۹). هویت دینی، کنترلی برای اخلاق، ضابطه‌ای برای حیات فردی، اجتماعی و رشد معنویت است که می‌تواند تقویت‌کننده وجدان اخلاقی کودک و بازدارنده و کنترل‌کننده انسان از ارتکاب به گناه باشد.

هویت دینی را احساس فرد به واسطه تمایز شخصی و شخصیتی به دین معنا می‌کنند نجفی (۱۴۰۰: ۳ به نقل از علوی، ۱۳۹۹: ۳). بدین معنی که «من» چقدر احساس بودن می‌کنم؟ چقدر احساس وجود می‌کنم؟ در پرتو دین چقدر احساس شخصیت و اعتبار می‌کنم؟ وقتی نگاه انسان به سمت خداوند باشد، همه کارهای انسان اخروی و عبادی است. انسان دارای هویت دینی، ذات خودش را با ذات خدا یگانه می‌بیند، لذا خدایی شده، خدایی فکر کرده و خدا گونه زندگی می‌کند. مرکزیت دین در هویت‌یابی انسان کلیدی است. مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰: ۱۲۹) دین‌محوری را ویژگی اصلی برای تکوین و تعالی هویت دانش‌آموزان تا رسیدن به مراتبی از حیات طیبه می‌داند. بر اساس تعاریف ارائه شده هویت دینی مشتمل بر چند بعد مهم، شامل آگاهی و شناخت دینی، تجارب و احساسات دینی، رفتار دینی (پابندی به احکام دینی)، تعلق و تعهد فرد به مشارکت در اعمال و آیین جمعی و در نهایت برداشت و تعریف خود از دین‌داری خویش مربوط می‌شود (جمالی فیروزآبادی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۷۹). نوجوانان ارزش‌ها را از والدین، محیط آموزشی و گروه همسالان می‌آموزند. چنانچه این ارزش‌ها با یکدیگر همخوان باشد هویت‌یابی آسان است، در غیر این صورت هویت‌یابی برای نوجوانان دشوار است و بحران هویت شکل می‌گیرد.

این تعریف از هویت دینی دارای ابعاد است. این ابعاد عبارت‌اند از: بعد شناختی، عاطفی و رفتاری. بعد شناختی هویت دینی ناظر بر معرفت و بصیرت است که اگر انسان علم و آگاهی نداشته باشد نمی‌تواند به تکالیف الهی تن داده و به هدف حیات



خویش دست یابد. تجلی هویت دینی بر معرفت است. اهمیت معرفت و شناخت در فراهم نمودن زمینه انتخاب‌گری و التزام عملی به آموزه‌ها و معارف دینی است که در قرآن مورد توجه قرار گرفته است (انعام، ۱۰۴). در سطح معرفت و شناخت، تفکر و عقل ورزی مطرح است. عقل در بستر علم می‌روید. از این رو برای عاقل بودن باید عالم بود (عنکبوت، ۴۳). از شئون عقل، اعتدال است. اعتدال فاصله گرفتن از افراط و تفریط است (متهی هندی، ۱۹۹۳، ج ۳: ۲۸). آزادگی در سایه روشنایی عقل حاصل می‌شود. دستاوردهای هویت دینی عبارت‌اند از: پاسخ به پرسش‌های بنیادین انسان، معنا بخشی به زندگی و جهت بخشیدن به آن، امید به آینده، وحدت مبتنی بر اعتقادات دینی، بستر سازی هویت دینی و وحدت با جهان هستی است (ماهرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

بعد عاطفی (گرایشی) هویت دینی ناظر بر محبت است. محبت زمینه التزام عملی فرد را به انجام امور فراهم می‌آورد. گرایش‌ها، اموری هستند که محرک رشد، بالندگی، تکامل و تعالی هویت را موجب می‌شوند. قرآن کریم پیامبر را با مهرورزی، رحمت و عطف نسبت به دیگران معرفی کرده است و لازمه پایبندی به سیره نبوی را قرار گرفتن در چنین دایره‌ای می‌داند (فتح، ۳۱؛ آل عمران، ۱۵۹). در این بعد عزت نفس به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی مطرح است چراکه عزت از صفات خداوند است (منافقون، ۸). عزت حالتی است که نمی‌گذارد انسان مغلوب گردد. هدایت‌گری در این بعد از تربیت مستلزم پاسداشت کرامت و عزت نفس است. از این رو خداوند خود را متکفل تدبیر و برآوردن عزت نفس می‌داند. رشد عواطف در تربیت دینی به کنترل تمایلات نفسانی منجر می‌شود.

بعد سوم هویت دینی بعد کنشی است. تظاهر این بعد در رفتار و عمل متجلی است. این بعد زمینه را برای فرد فراهم می‌کند تا از بینشی که محصول معرفت است و گرایش‌هایی که محصول عاطفه هستند بهره‌مند شوند و به تعالی هویت دینی برسند. این بعد ناظر بر عمل و التزام عملی به رهنمودهای دینی است. عمل صالح به عنوان پایبندی عملی به اعتقادات، احکام و ارزش‌های دینی است که در کنار ایمان قرار دارد. از مؤلفه‌های این بعد تسلیم در برابر اوامر الهی، صبر و استقامت است. در قرآن کریم در حدود هفتاد مورد از صبر، سخن به میان آمده است و از مؤمنان خواسته شده است که خود را جزء صابران قرار دهند.

در نظام آموزش رسمی و عمومی دستیابی به این مهم با کاستی‌هایی مواجه است. از این روست که آسیب‌شناسی پرورش هویت دینی در نظام رسمی و عمومی معنی پیدا

می‌کند. آسیب‌شناسی هویت دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد، باورهای دینی و یا اقدامات عملی جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است وارد شود. گاه آسیب‌شناسی هویت دینی را مطالعه عدم انطباق کنش و عمل دین‌داران با هنجارهای دینی می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷). هرگاه مفاهیم و معیارهای تربیت اسلامی مورد بدفهمی قرار گیرد، یا حیطه‌ی آن‌ها به غلط، بیشتر یا کمتر از آنچه هست، ارزیابی گردد و یا در مواجهه با مسائل نوظهور عصر و دوران، به صورت نا به جا مورد استفاده قرار گیرد، آسیب‌هایی در هویت دینی آشکار خواهد گردید (باقری، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

مرور پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون آسیب‌شناسی هویت دینی دانش‌آموزان حاکی از این است که آموزش‌ها و اقداماتی که در حوزه هویت دینی در معاونت پرورشی صورت گرفته است، آثار مورد انتظار از خود به جا نگذاشته و به توسعه‌ی احساسات و تجارب دینی فراگیران منجر نشده و تنها در حد تراکم اطلاعات و اندوخته‌های ذهنی آن‌ها باقی‌مانده است (شمشیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۷؛ عوض‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹؛ میرفردی و ولی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۷۳). در بررسی که در ارتباط با دیدگاه دانش‌آموزان پایه ششم نسبت به دروس تعلیمات دینی از قبیل هدیه‌های آسمان انجام شد، نشان داد که دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به این درس رضایت‌بخش نبوده و دانش‌آموزان نوعی احساس دل‌زدگی نسبت به درس دینی از خود بروز می‌دهند. علاوه بر این بررسی رفتارهای آنان نیز نشان داد که رفتارهای دانش‌آموزان در مقولات اعتقادی و پایبندی به ارزش‌های دینی و اخلاقی با آرمان‌های دینی و اعتقادی جامعه فاصله دارد.

نظام تعلیم و تربیت جهت برون‌رفت از این وضعیت، از طریق آموزش تفکر و برجسته نمودن آن در نظام آموزشی، گام‌هایی در جهت فراهم نمودن فضای پرسشگری و آزاداندیشی برداشته است؛ اما علی‌رغم این تلاش‌ها نتوانسته است از آسیب‌های آن مصون بماند. در نظام آموزش رسمی و عمومی تربیت دینی انجام امور اخلاقی و دینی توسط دانش‌آموزان به دلیل منابع پاداش و تنبیه، جایگزین شور و رغبت دینی و به تبع آن گرایش‌های انحرافی شده است (عوض‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹). شکل‌گیری روحیه لذت‌محوری افراطی و بروز اخلاق ابزاری از رفتارهای شایع نوجوانان است. از این رو در نظام‌های اجتماعی و به تبع آن نظام‌های آموزشی، آنجایی که نوبت به «عامل بودن» به دین می‌رسد، شاخص دین‌داری پایین می‌آید (محمدی قشلاق، ۱۳۹۷: ۱۶۵). مسئله دین‌ورزی در نوجوانان، فقط کم شدن انجام مناسک نیست بلکه نوع تازه‌ای از «دین‌ورزی بی‌شکل» است حتی مفهوم «خصوصی شدن دین» یا شخصی شدن دین یا



دین‌ورزی «بی‌شکل و شخصی شده و اقتضایی» با ویژگی‌های از قبیل تغییرات شایع در پای‌بندی به مناسک دینی جمعی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالاری نهادهای دینی، معناسازی خودمحو‌رانه برای پدیده‌های دینی، لذت‌جویی و تنوع‌طلبی در قالب دین برای نوجوانان مطرح است (حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴: ۹۹؛ حسن‌پور و شجاعی‌زند، ۱۳۹۳: ۱۷؛ عالم‌زاده و رستگاری، ۱۳۹۴: ۱۵۹؛ فراستخواه، ۱۳۹۱: ۱۹۵). به چالش کشیدن بنیادهای دینی اعم از اصول و فروع دین از قبیل تقلید، رجوع به رساله، توسل به واسطه‌های دینی، انجام مناسک جمعی مثل شرکت در مراسم اعتکاف، نماز جماعت و جمعه، تقدیر، پذیرش مسئولیت اخروی در قبال اعمال دنیوی، رعایت تام و تمام اخلاق زندگی دینی، مشروعیت دین به‌عنوان یک منبع معرفتی، توالی و تداوم اعمال عبادی، تردید به اصول دین، شیوع شبهات دینی، گرایش به سمت عرفان‌های نوظهور، گرایش به سمت خرافات و پدیده‌های خرافی، ترجیح عرفی‌تر، به‌روزتر و اجتماعی‌تر از دین‌داری دیگر موارد شایع در بین نوجوانان است. حجم بحث‌های صورت گرفته درباره عرفی شدن و مقالات منتشر شده درباره «معنویت‌گرایی‌های جدید» گواه روشن فاصله‌گیری نوجوانان از دین است (شجاعی‌زند، ۱۳۹۵: ۷؛ بهرامی، ۱۳۸۳: ۳۸).

بررسی و مرور پژوهش‌های فوق‌نشان می‌دهد که نظام آموزش رسمی و عمومی باید جهت مواجهه با آسیب‌های پرورش هویت دینی دانش‌آموزان در درجه اول به شناسایی علل و در ادامه به برنامه‌ریزی جهت برخورد بهینه با علل بپردازد.

### روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی و از نظر هدف کاربردی است (اشتراوس و کوربین، ۲۰۱۰: ۱۴۵). با توجه به ماهیت، هدف و سؤالات پژوهش حاضر که پی‌بردن به عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر آسیب‌های تربیت اسلامی در نظام تربیت رسمی و عمومی است، با استفاده از روش داده‌بنیاد قابل مطالعه است (نوری، ۱۳۹۰: ۳). جامعه‌ی آماری این تحقیق متخصصان حوزه تعلیم و تربیت اسلامی (دینی) (از هر دو جنس) (آشنا با نظام آموزش و پرورش بر اساس معیارهایی از قبیل هیئت‌علمی بودن، داشتن آثاری در حوزه آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی، آشنایی با نظام آموزش و پرورش، علاقه‌مندی و شرکت در مطالعه) و مدیران، معاونان پرورشی و معاونان اجرایی مدارس متوسطه دوره دوم دخترانه شهر تهران مناطق ۲۲ گانه، بر اساس ملاک‌هایی از قبیل

استخدام رسمی بودن، پاسخگو بودن، علاقه‌مندی به شرکت در مطالعه، در دسترس بودن، دغدغه‌مند بودن نسبت به آسیب‌های تربیت اسلامی دانش آموزان، ایده داشتن در حوزه آسیب‌ها، به‌طور هدفمند انتخاب شدند. حجم نمونه در این نوع از مطالعات به سطح اشباع داده‌ها بستگی دارد. بر این اساس فرایند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که نوعی اشباع اطلاعاتی حاصل شود. شایان‌ذکر است که اشباع اطلاعاتی در حوزه مصاحبه با متخصصان، مدیران، معاونان پرورشی و معاونان اجرایی پس از ۱۰ مصاحبه حاصل شد. برای اطمینان از صحت و استحکام مصاحبه‌ها از بازبینی مصاحبه‌ها توسط مصاحبه‌شوندگان استفاده شد که مقبولیت داده‌ها با بازنگری‌های به‌عمل‌آمده مورد تأیید آنان قرار گرفت.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات «مصاحبه نیمه ساختاریافته» بود. تدوین چارچوب مصاحبه بر اساس فرایندی صورت گرفت که این فرایند عبارت‌اند از: مطالعه و تحلیل ادبیات موضوع، استخراج نکات کلیدی متمرکز بر اهداف پژوهش (آگاهی از عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر) آسیب‌زای هویت بخشی تربیت دینی در نظام آموزش رسمی و عمومی) بود. پس از تدوین، چارچوب مصاحبه جهت اظهارنظر در اختیار سه نفر از افراد خبره و مطلع قرار داده شد. بر اساس اظهارنظرهای این خبرگان، اصلاحاتی در چارچوب مصاحبه به عمل آمد. پس از تعیین چارچوب مصاحبه و انتخاب نمونه‌ها، جهت احترام به مشارکت‌کنندگان، ابتدا سؤالات مصاحبه برای مصاحبه‌شوندگان ارسال شد و طی نامه‌ای به آنان تعهد داده شد که از انتشار مشخصات مشارکت‌کنندگان خودداری شود و از آنان برای ضبط مصاحبه‌ها اجازه گرفته شد. سپس به دنبال آن مصاحبه انجام شد. در مصاحبه همواره از سؤالات پیگیرانه برای دریافت اطلاعات بیشتر استفاده شد.

### روش تجزیه و تحلیل

داده‌های حاصل از تحلیل محتوای متون و داده‌های حاصله از مصاحبه از طریق تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری‌های سه‌گانه مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها به «زمینه‌مندی‌سازی متن» و «زمینه‌مندی‌سازی مجدد متن» با استفاده از تحلیل مضمون مرتبط است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱). لازم به ذکر است که در کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های منفرد تجزیه شدند. از کنار هم قرار گرفتن کدهای باز، مقولات (مفاهیم) ظهور پیدا نمودند. در کدگذاری انتخابی و نظری کدها به‌صورت مدام با هم



مقایسه، سازمان‌دهی و در قالب مقوله تنظیم شدند؛ لازم به ذکر است که کدگذاری دور اول و دوم اعتباری است و بین مراحل مختلف کدگذاری مقایسه مستمر و رفت و برگشت اتفاق می‌افتد. لازم به ذکر است که در گزارش فرایند کدگذاری از علامت اختصاری S برای انعکاس نظرات متخصصان، M برای انعکاس نظرات مدیران، E برای انعکاس نظرات مربیان پرورشی، P برای انعکاس نظرات معاونان اجرایی و T برای انعکاس نظرات دبیران استفاده شده است.

### یافته‌ها

یافته‌های حاصله بر اساس فرایندی که در بخش روش تجزیه و تحلیل ذکر شد کدگذاری چندین بار بر اساس بسندگی معنایی و علی مورد بررسی و نهایتاً بر اساس شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، دسته‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که به ترتیب در جداول زیر گزارش شده است. **شرایط علی**: شرایط علی، شرایطی است که منجر به بروز پدیده مورد مطالعه می‌شود. شرایط علی به چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده خاص اشاره دارد (اشتراوس و کوربین، ۲۰۱۰: ۱۴۵). در این مطالعه شرایط علی به مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجابی و ایجاد و عدم هویت بخشی تربیت اسلامی اشاره دارد که در جدول ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: دیدگاه مشارکت‌کنندگان پیرامون عوامل «علی» آسیب‌پذیری نظام آموزشی در پرورش هویت دینی دانش‌آموزان

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد مشارکت‌کنندگان
ضعف در رویکرد تربیت دینی	ظاهرگرایی	تأکید بر ظواهر دین بدون توجه به عمق دین.	S1-2-3-5-7-8
ضعف در سیاست‌گذاری	اولویت‌دار نبودن تربیت دینی	در حاشیه قرار داشتن تربیت به‌ویژه تربیت دینی.	E1-2-3-4-5
		محوریت کنکور در نظام آموزشی.	S1-2-3-6-7-8
	فقدان مبانی نظری	سیاست‌گذاران این حوزه خود نمی‌دانند که می‌خواهند متریبان را در حوزه دین‌داری چگونه و به چه نقطه‌ای برسانند.	S1-6-7-8-9



مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد مشارکت‌کنندگان
		در سیاست‌گذاری، آموزش مسائل دینی همواره یک‌طرفه از بالا به پایین است.	S1-3-4-8-9
		هماهنگ نبودن فکر و اندیشه‌ی قلبی و عمل سیاست‌گذاران پیرامون تربیت دینی و دین‌داری.	M1-3-4-5
		ضعف ویژگی‌های شخصیتی مربیان و دبیران دینی.	M1-3-4
		عدم برخورداری مربیان و دبیران دینی از دانش دینی موردنیاز.	M 1-3-4-6-7-8-9
		ضعیف بودن باورهای دینی مربیان و دبیران تعلیمات دینی.	M 1-3-5-6-7-8-9
		ناآگاهی مربیان و دبیران نسبت به اقتضانات روان‌شناختی نوجوانان.	S1-3-4-5
		عدم آگاهی مربیان و دبیران دینی از نیازهای دینی روز دانش‌آموزان.	M 1-3-5-6-7-8-9
		عدم توانایی لازم مربیان و دبیران در پاسخگویی به تردیها و سؤالات دینی دانش‌آموزان.	M 1-3-5-6-7-2-9
ضعف در فرایند تربیت مربی تربیتی و دبیران زن در تعلیمات دینی	فقدان استانداردهای جذب مربیان تربیتی و دبیران زن در تعلیمات دینی	کم‌توجهی به ظرفیت‌متریبیان در آموزش دین.	M 1-2-5-6-7-8-9
		ضعف معلمان در جلب اعتماد دانش‌آموزان.	M 1-3-5-6-7-8-9
		عدم وجود زبان مشترک بین معلم و مربیان با دانش‌آموزان.	M 1-2-4-6-7-8-9
		فقدان مهارت تخصصی در زمینه مشاوره به دانش‌آموزان.	M 1-3-5-6-7-9
	فقدان استانداردهای نگهداشت زن	مشارکت دادن ضعیف مربیان و دبیران در فرایند برنامه‌ریزی دینی.	T1-5-6-7-8-4-
		عدم بازخورد به مربیان و دبیران دینی پیرامون نحوه عملکرد خود.	T1-2-3-5-6-7-8-
		عدم وجود برنامه‌های تشویقی برای دبیران و مربیان دینی.	T1-3-5-6-7-8-4



مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کد مشارکت کنندگان
	فقدان استانداردهای بازتوانی مربیان و دبیران دینی زن	فقدان دوره‌های آموزشی پیرامون آشنایی مربیان تربیتی و دبیران تعلیمات دینی با مسائل روز دینی.	T1-5-6-7-8-9
		فقدان دوره‌های آموزشی پیرامون نیازهای جدید دینی دانش آموزان برای مربیان تربیتی و دبیران تعلیمات دینی.	T1-3-5-6-7-8-9
		فقدان دوره‌های آموزشی پیرامون شباهت نوظهور دینی برای مربیان تربیتی و دبیران تعلیمات دینی.	T1-2-5-6-7-8-4
		فقدان دوره‌های آموزشی پیرامون چگونگی پاسخ‌گویی به شباهت نوظهور دینی دانش آموزان.	T1-9-5-6-7-8-3
ضعف برنامه درسی تعلیمات دینی	عدم نیازسنجی دینی	تدوین اهداف تربیت دینی بدون آگاهی از نیازهای دینی دانش‌آموزان دختر.	S1-6-7-8-9
	واقع‌گرایانه نبودن اهداف تربیت دینی	آرمان‌گرایانه بودن اهداف تربیت دینی دانش‌آموزان.	p1-3-4-7-8-9
		مبهم بودن اهداف تربیت دینی دانش‌آموزان.	T1-2-3-3-4-5
		قابل وصول نبودن اهداف تربیت دینی دانش‌آموزان.	T5-6-7-8-9
	ضعف در محتوای دروس دینی	جذاب نبودن اهداف درس دینی برای دانش‌آموزان.	T1-5-6-7-8-9
		همسو نبودن محتوا با شاخص‌های تربیت اسلامی از قبیل معرفت، تفکر، تعقل و عمل.	S1-3-4-5
		عدم توجه محتوا به جنبه عرفانی و زیبایی‌شناسی در تربیت دینی.	S1-3-4-6-7-8-9
		عدم انطباق محتوا با ویژگی‌های شناختی دانش‌آموزان.	S1-3-5-6-7-8-9
		نسبت دادن محتوای غیردینی و سلیقه‌ای به دین.	S1-3-4-5
		فرا انسانی جلوه دادن الگوهای دینی در	P1-6-7-8-9

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد مشارکت‌کنندگان
		محتوای کتاب‌های درسی.	
		عدم استحکام کافی محتوا در دلایل مربوط به مباحث اعتقادی.	P1-3-4-8-9
		عدم استحکام کافی دلایل مربوط به شبهه زایی برخی مطالب.	S1-3-4-5
		کاربردی نبودن برخی از مباحث دروس تعلیمات دینی.	P1-6-7-8-9
		دین را جدا از سایر عرصه‌های زندگی مطرح کردن.	P1-3-4-7-8-9
		پرداختن صرف توجه به عواقب اخروی امور.	P1-3-4-5
		انذار نامناسب و بیان نکردن آثار فردی و اجتماعی اعمال.	P5-6-7-8-9
		کم‌توجهی به درون دانش‌آموز در آموزش‌های دینی.	S1-5-6-7-8-9
	ضعف در روش‌های آموزش	بهره‌برداری نکردن از روش‌های مؤثر و متنوع تربیتی.	M1-3-5-6-7-8-9
		فضای محدود و بسته در پرسشگری مسائل دینی.	M1-3-5-6-7-2-9
		القای مفاهیم دینی به صورت مستقیم به منظور ایجاد اعتقادات دینی در دانش‌آموزان	M1-2-5-6-7-8-9
		استفاده از روش تکرار و عادت به منظور ایجاد رفتار دینی در دانش‌آموزان.	M1-4-5-6-7-8-9
		استفاده از روش تحمیل به منظور ایجاد تغییرات رفتاری.	M1-3-5-6-7-8-9
		کم‌توجهی به تردید و شکل‌دهی سلوک دینی.	M1-2-5-6-7-8-9
		وابسته کردن یادگیری به منابع بیرونی تشویق و تنبیه.	T1-3-5-6-7-9
	ضعف در روش‌های یادگیری	استفاده از روش نمره‌گرایی.	T1-2-5-6-7-8
		استفاده از روش ارزشیابی مستقیم.	M1-3-6-7-8-9



مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کد مشارکت کنندگان
	ارزشیابی		
	فقدان سیستم ارزیابی	نبود شاخص هنجاری و ابهام در توقعات از تربیت دانش آموزان.	M1-3-5-7-2-9
گسست ارتباطی بین عوامل مؤثر در امر تربیت دینی	عدم هماهنگی بخش های مرتبط با دین داری	گسست بین برنامه های تربیتی از نظر ارتباط درون سیستمی.	S5-6-7-8-9
		گسست بین برنامه های تربیتی از نظر ارتباط بین سیستمی.	S1-6-7-8-9
		نابسامانی ارتباطات برنامه ریزان، مربیان، دانش آموزان و اولیاء آنان.	M1-2-3-4-5
		ناهماهنگی بین برنامه ریزی درسی آشکار و پنهان.	E1-3-4-6-7-8-9

تحلیل داده های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که مشارکت کنندگان عوامل علی عدم هویت بخشی تربیت دینی دانش آموزان را در نظام آموزش و پرورش در عواملی از قبیل توجه به ظاهرگرایی در بخش رویکرد، اولویت دار نبودن تربیت دینی، فقدان مبانی نظری در حوزه دین داری، فقدان استانداردهای لازم برای جذب، نگهداشت و باز توانی مربیان تربیتی و دبیران تعلیمات دینی، ضعف فرایند برنامه درسی تربیت دینی (عدم احصاء نیازهای دینی دانش آموزان، آرمان گرایانه بودن اهداف تربیت دینی)، عدم تنوع در روش های آموزش و یادگیری تعلیمات دینی، استفاده از ارزشیابی سنتی در تربیت دینی و عدم هماهنگی حوزه های ذی ربط در درون دستگاه تعلیم و تربیت را مطرح نمودند.

### عوامل زمینه ای

دومین گروه از علل مؤثر در عدم دستیابی دستگاه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به هویت بخشی تربیت دینی دانش آموزان عوامل زمینه ای است. عوامل زمینه ای مجموعه ای خاص از عوامل اند که در یک زمان و یک مکان پدید می آیند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه ها) با عمل و تعامل های خود به آنها پاسخ دهند. عوامل زمینه ای در عوامل علی و مداخله گر تأثیر

دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند. دیدگاه مشارکت‌کنندگان این مطالعه پیرامون عوامل زمینه‌ای مؤثر در عدم هویت بخشی تربیت دینی دانش‌آموزان در جدول ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: دیدگاه مشارکت‌کنندگان پیرامون عوامل «زمینه‌ای» آسیب‌پذیری نظام آموزشی در

پرورش هویت دینی دانش‌آموزان

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	کد مشارکت‌کنندگان
دوره نوجوانی	رشد فردیت	اثبات خود، مقابله با بزرگ‌سال	S1-2-3-4-5-68-9
		برخورداری از روحیه استقلال‌طلبی	S1-2-3-4-5-6-7
		برخورداری از روحیه آزادگی و قطع وابستگی	S1-2-5-6-7-8-9
	اخلاق خود پیروی	اخلاق دیگر پیروی (تقلید) را پشت سر گذاشته	S1-2-3-4-5-68-9
	ناهمخوانی سطح شناختی نوجوانان با معارف دینی	سرباز زدن نوجوانان از دین تقلیدی	S1-2-3-6-7-8-9
		شناخت ناکافی از هویت خویش	P1-2-3-4-5-6-7
	استقلال‌طلبی	گرایش به آزادی بی‌حد و حصر با دیگران	S1-2-3-4-7-8-9
		برنتابیدن تقلید در حوزه اعتقادات توسط نوجوانان از مراجع	P2-3-4-5-6-7-8-9
		وجود شبهات دینی در بین نوجوانان	S1-4-5-6-7-8-9
	تغییرات نسلی والدین و فرزندان	تفاوت نظام ارزشی بین فرزندان و والدین	P1-2-3-4-5-6-7-8-9
	اولویت قرار نداشتن تربیت دینی	درگیری خانواده‌ها جهت تأمین مسائل معیشتی	M1-2-3-4-7-8-9
		اولویت‌دار نبودن توجه به ارزش‌های دینی	M1-2-3-4-7-8-9
	مشکلات عاطفی والدین	مطالبه‌گری والدین از مدرسه جهت تمرکز بر فعالیت‌های آموزشی	S1-2-3-4-5-6-7-8
		عدم وجود رابطه صمیمی بین پدر و مادر	M1-2-3-4-7-8-9
	ناآگاهی والدین به شیوه تربیتی	سهل‌گیری برخی از والدین در برخورد با اعمال دینی	M1-2-3-5-7-8-9
		حساسیت پایین برخی از خانواده‌ها نسبت به مسائل دینی	P1-2-3-6-7-8-9



مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	کد مشارکت کنندگان
		آزادی‌های بی‌حد و حصر در اختیار فرزندان قرار دادن	M1-2-4-7-8-9
		حساسیت بالای برخی از خانواده‌ها نسبت به مسائل دینی	P1-2-3-5-7-8-9
		سخت‌گیری برخی از والدین در برخورد با اعمال عبادی فرزندان	M1-4-6-7-8-9
عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی	برخورد ایدئولوژیک با دین	اختلاف ایدئولوژیکی نسل‌ها و آسیب‌های گفتگویی بین آنها	S1-2-3-4-7-8-9
		تلقی حاکمیتی از دین‌داری را در آموزش و پرورش قابل قبول دانستن	S1-4-5-6-7-8-9
		انحصارگرایی دینی	S1-2-3-6-7-8-9
	فقدان فضای آزاداندیشی	S1-2-3-5-7-8-9	
	فاصله بین نظر و عمل حاکمیت	تضاد بین گفتار و کردار برخی مسئولان نظام سیاسی در حوزه دین	S1-4-5-6-7-8-9

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که مشارکت‌کنندگان عوامل زمینه‌ای مؤثر در عدم هویت بخشی تربیت دینی را خارج از آموزش و پرورش مطرح نمودند. حاکمیت دوران نوجوانی با مشخصه‌هایی از قبیل رشد فردیت، حاکمیت اخلاق خود پیروی، ناهمخوانی سطح شناختی نوجوان با معارف دینی، استقلال‌طلبی، نقش خانواده با مؤلفه‌هایی از قبیل اولویت‌دار نبودن تربیت دینی تغییرات نسلی بین والدین و فرزندان، پایین بودن دانش تربیتی والدین در حوزه دین‌داری، عوامل سیاسی اجتماعی با دو مؤلفه از قبیل برخورد ایدئولوژیک با دین، فاصله بین نظر و عمل حاکمان را مؤثر در عدم هویت بخشی تربیت دینی دانش آموزان ارزیابی نمودند.

### عوامل مداخله‌گر و میانجی

سومین گروه از علل مؤثر در عدم دست‌یابی دستگاه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به هویت بخشی تربیت دینی دانش آموزان مداخله‌گر و میانجی است. منظور این عوامل وضعیت‌هایی هستند که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل آنها با یکدیگر تأثیرگذار هستند. به عبارت دیگر این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌کنند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۵):

۱). عوامل مداخله‌گر، عوامل ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند و صبغه علی و عمومی دارند. دیدگاه مشارکت‌کنندگان در این مطالعه پیرامون این مطلب در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول شماره ۳: دیدگاه مشارکت‌کنندگان پیرامون عوامل «مداخله‌گر» آسیب‌پذیری نظام آموزشی در پرورش هویت دینی دانش‌آموزان

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کد مشارکت‌کنندگان
مدرن‌نیم	تجربه‌گرایی	عقل را معیار سنجش همه‌چیز از جمله احادیث و روایات دینی قرار دادن	S1-2-3-4-6-7-9-10
		نقد و انتقادگری	S1-3-4-5-6-7-8-9-10
عملکرد ضعیف نهادهای دینی	عدم درگیری عالمان حوزوی در تبیین آموزه‌های دینی	تحریر مفاهیم دینی	S2-3-4-5-6-7-8-9-10
		توجه ناکافی به بخش معرفتی و تعبدی و اخلاقی دین	S1-2-3-4-5-6-7-8-9
		تبیین نادرست مفاهیم دینی	E1-2-3-4-5-6-7-8-10
		تفسیر دین و آموزه‌های دین توسط مداحان	E1-2-3-4-5-6-8-9-10
		بی‌توجهی به عقلانیت در تبیین مفاهیم دینی	S1-2-3-5-6-7-8-9-10
		دفاع غیرعقلانی از دین	S1-2-3-4-5-7-8-9-10
	ایدئولوژیک شدن نهادهای دینی	سیاست زدگی افراطی دین‌داران	P1-2-4-5-6-7-8-9-10
		تحریم برخی مباحات با سخت‌گیری	S1-2-3-4-5-6-7-8-9
	گسترده‌گی شریعت	فقهی شدن و ظاهری شدن افراطی در عرصه دین	S1-2-4-5-6-7-8-9-10
		ارائه دین در قالب تحریف دین	S1-2-3-4-6-7-8-9-10
	غیرجذاب، فرهنگی و اجتماعی	استفاده از ابزارهای سلبی برای هدایت مردم	P1-2-3-4-5-7-8-9-10
		توجه صرف به مناسک و فقه	E1-2-4-5-6-7-8-9-10
	آرمان‌گرایی غیرواقع‌گرا از دین	قدسی نمودن بیش‌ازحد مفاهیم دینی در جامعه	E1-2-3-4-5-7-8-9
		تکلف در دین‌داری	E2-3-4-5-6-7-8-9-10
		نابسامانی در کیفیت رسیدگی به نیاز دینی و شیوه دین‌ورزی نوجوانان و	E1-3-4-5-6-7-8-9-10



مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کد مشارکت کنندگان
		جوانان در جامعه	
	ناکارآمدی در روش های تبلیغ دینی	استفاده از ادبیات زور و تهدید در دین دار کردن جوانان	P1-2-4-5-6-7-8-9
		پاسخگویی ضعیف به شبهات دینی متناسب با مقتضیات	p1-2-3-4-6-7-8-10
		استفاده ضعیف از هنر در معرفی دین	p1-2-3-4-5-6-7-9-10
	استفاده ابزاری از دین	همراه نبودن گفتار و کردار عالمان دینی	p1-2-3-4-5-7-8-9-10
		رفتار نامناسب برخی از متولیان دین	p1-2-4-5-6-7-8-9-10
دوستان	نقش الگویی دوستان	تحت تأثیر دوستان قرار داشتن	E1-2-3-4-6-7-8
		تحت تأثیر گروه همسال قرار داشتن	E1-2-3-5-6-7-8
		الگوپردازی های از دوستان	E1-2-3-4-6-7-8
		الگوپردازی از الگوهای حاکم بر جامعه	E1-2-3-6-7-8-9
رسانه	عدم مدیریت فضای مجازی	جذاب بودن شبکه های اجتماعی برای نوجوانان	E1-2-3-6-7-8
		تنوع فناوری های اطلاعاتی	E1-2-3-5-6-7-8
		درهم تنیدن مرزهای جغرافیایی	S1-2-3-6-7-9
		فقدان فرهنگ سازی در رسانه های جمعی	E-2-3-6-7-8
		عادی سازی روابط باز در فضای رسانه	E1-2-3-4-6-7-8
		صرف مدت زمان زیاد در رسانه ها و فضای مجازی	E1-2-3-5-6-7-8
		الگو قرار دادن شخصیت فیلم ها موجود در فضای رسانه	E1-2-3-4-6-7-8
		حاکمیت یک جهت گیری خاص در رسانه	S1-2-3-6-7-8-9
	عدم مدیریت فضای رسانه	S1-2-3-5-7-8-9	

تحلیل داده های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که مشارکت کنندگان عوامل مداخله گر مؤثر در عدم هویت بخشی تربیت دینی دانش آموزان را خارج از نظام آموزش و پرورش مطرح نمودند که عبارت اند از مدرنیسم، حاکمیت عقل گرایی و تجربه گرایی، عملکرد ضعیف نهادهای دینی با مؤلفه هایی از قبیل ایدئولوژیک شدن نهادهای دینی، گستردگی شریعت، ارائه دین در قالب غیر جذاب فرهنگی و اجتماعی،



آرمان‌گرایی غیرواقع‌گرا از دین، ناکارآمدی در روش‌های تبلیغ دینی و استفاده‌ی ابزاری از دین، نقش دوستان با مؤلفه‌ی الگویی بودن آن‌ها برای نوجوانان و رسانه با مؤلفه‌ای از قبیل عدم مدیریت فضای مجازی در حوزه تربیت دینی را از عوامل مداخله‌گر در این زمینه ارزیابی نمودند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه بررسی علل آسیب‌پذیری نظام آموزش رسمی و عمومی در هویت بخشی تربیت دینی دانش‌آموزان است. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش پژوهش کیفی با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته با صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، مدیران، معاونان پرورشی و اجرایی مدارس دخترانه دوره دوم متوسطه مورد بررسی قرار گرفت که در این بخش به تبیین یافته‌ها پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های حاصله، عوامل آسیب‌پذیری نظام آموزش رسمی در سه دسته عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در هویت بخشی تربیت دینی شناسایی شد. از عوامل «علی» آسیب‌پذیری نظام آموزش رسمی و عمومی در هویت بخشی تربیت دینی دانش‌آموزان «ضعف سیاست‌گذاری‌های آموزشی» در مؤلفه‌های اصلی نظام آموزشی از قبیل رویکرد، تربیت نیروی انسانی و برنامه‌ریزی درسی است. رویکرد نانوخته و ضمنی دستگاه تعلیم و تربیت، «پرورش» نیست، بلکه «آموزش» یعنی آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه است. این خود عاملی است که باعث بی‌توجهی و کم‌توجهی به سایر ابعاد تربیت در نظام آموزشی می‌شود. این یافته همسو با شمشیری و نوذری (۱۳۹۰)، مرزوقی و دهقانی (۱۳۹۸) است. این مطالعات نشان دادند که تفکر افراطی پیرامون «آموزش» در دستگاه تعلیم و تربیت و محوریت قبولی در کنکور و المپیادهای علمی باعث کم‌توجهی به فرایند هویت بخشی فرایند تربیت دینی و آسیب‌پذیرتر نمودن آن می‌شود. در بخش ضعف سیاست‌گذاری در حوزه نیروی انسانی، می‌توان به ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های نظام آموزشی در حوزه جذب، تربیت، نگهداشت و توانمندسازی مربیان تربیتی و دبیران تعلیمات دینی، گزینش ناصواب مربیان تربیتی و دینی و عدم صلاحیت علمی، اعتقادی، انگیزشی و نداشتن هنر لازم برای مربیگری، اشاره کرد که این ضعف باعث شده است که معلمان و مربیان حاضر در مدارس نتوانند با استفاده از منابع معتبر و به‌روز به سؤالات ذهنی دانش‌آموزان پاسخی قانع‌کننده داشته باشند که این امر اثربخشی فعالیت‌های تربیتی مدارس را محدود می‌نماید. در بخش



ضعف سیاست‌گذاری حوزه برنامه درسی می‌توان به عدم نیازسنجی دینی نوجوانان، فاصله داشتن اهداف برنامه درسی با نیازهای دینی دانش‌آموزان، جذاب نبودن روش‌های آموزش، تمرکز ارزشیابی درس تعلیمات دینی بر دانش‌های (حفظی) اشاره کرد که دانش‌آموزان نمی‌توانند پاسخ سؤالات دینی و روز خود را از کتاب‌های دینی پیدا کنند و در مواردی محتوای کتاب را برای خودباور پذیر نمایند؛ که این موضوع خود عدم هویت بخشی دینی را موجب می‌شود یا آن را تشدید می‌کند.

دیگر عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری نظام آموزش رسمی و عمومی در هویت بخشی دینی دانش‌آموزان و عوامل «زمینه‌ای» است؛ بر اساس یافته‌های حاصله پیرامون عوامل زمینه‌ای می‌توان به مسائل مربوط به دوران رشد نوجوان، عوامل خانوادگی و عوامل سیاسی-اجتماعی اشاره کرد. عدم توجه به ساختار روان‌شناسی دوره نوجوانی در سیاست‌گذاری و ارزیابی دروس تعلیمات دینی و قرآن، اشاره به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نادرست را در عدم هویت بخشی تربیت دینی دانش‌آموزان موجب می‌شود. تغییرات نسلی بین فرزندان و والدین، مشکلات اقتصادی و عاطفی خانواده، ناآگاهی والدین از شیوه‌های تربیتی از جمله مواردی است که بستر و زمینه عدم هویت بخشی به تربیت دینی را در نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی موجب می‌شود. امروزه بیشترین دغدغه‌ی مدارس رفتارهای نادرست خانواده‌ها در قبال فرزندانشان است. بدین معنی که بسیاری از معلمان در توضیحاتشان از غفلت خانواده و درگیری اعضای خانواده و تأثیر رفتار آن‌ها بر رفتار دانش‌آموزان گلایه‌مند بوده و کمرنگ شدن حساسیت‌های خانوادگی نسبت به آموزه‌های دینی، اخلاقی و کم‌توجهی به نظارت صحیح نسبت به رفتارهای فرزندان، یا به عبارتی اولویت نداشتن فعالیت‌ها و برنامه‌های تربیتی در خانواده را در عدم هویت بخشی تربیت دینی فرزندان مطرح نموده‌اند. برخورد ایدئولوژیک با دین، خرافه‌گرایی، شکاف بین نظر و عمل برخی مسئولان نظام سیاسی از دیگر عوامل زمینه‌ای عدم هویت بخشی تربیت دینی در نظام آموزش رسمی و عمومی است.

عوامل «مداخله‌گر و میانجی» دیگر عوامل مؤثر در زمینه عدم هویت بخشی تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام تربیت رسمی و عمومی است. این عوامل صبغه‌علی و عمومی دارند و مداخله‌ی سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌نمایند. تجربه‌گرایی (به‌عنوان محصول مدرنیسم)، گروه دوستان، گسترش فضای مجازی و ضعف عملکرد نهادهای دینی از جمله عوامل مداخله‌گر در این زمینه هستند که سبب روی‌گردانی دانش

آموزان از دین و دین‌گرایی، فاصله گرفتن نظام تعلیم و تربیت عمومی و رسمی از اتخاذ رویکرد عقلانی است.

بر اساس یافته‌های حاصله، نظام آموزش و پرورش رسمی جهت مواجهه با علل آسیب‌پذیری هویت بخشی تربیت دینی دانش آموزان در نظام آموزش رسمی و عمومی در بخش «عوامل علی» می‌بایست تغییر جهت‌گیری سیاست‌گذاری نظام آموزشی از «آموزش» به «پرورش» را مبنای برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهد. در حال حاضر «آموزش» محور برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پرورشی است. به این معنی که سایه «آموزش» بر «پرورش» سنگینی می‌کند. در حوزه «برنامه‌ریزی تربیت نیروی انسانی» بازنگری در استانداردها و شایستگی‌های موردنیاز نیروی انسانی در فرایند «جذب»، «تربیت»، «نگهداشت» و «بازتوانی» مریبان تربیتی (پرورشی) و دبیران دروس مختلف به‌ویژه دبیران تعلیمات دینی، پیشنهاد می‌شود. در حوزه «برنامه‌ریزی درسی»، نیازسنجی دینی نوجوانان، متناسب نمودن اهداف برنامه درسی با نیازهای دینی دانش آموزان، جذاب نمودن روش‌های آموزش تعلیمات دینی، برجسته نمودن روش‌های خودارزیابی و بعد الگویی معلم در فرایند یاددهی - یادگیری پیشنهاد می‌شود.

در بخش «عوامل زمینه‌ای» توجه نظام حاکمیتی به مسائل اقتصادی و معیشتی خانواده‌ها، توانمندسازی خانواده‌ها در برخورد‌های تربیتی با فرزندان، همراه نمودن معارف دینی با سطح شناختی جوانان از سوی نظام حاکمیتی و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ پیشنهاد می‌شود. در بخش «عوامل مداخله‌گر و میانجی» فاصله گرفتن از گستردگی بی‌ضابطه شریعت، رویکرد فقهی به دین، آرمان‌گرایی غیرواقع‌گرا و بازاندیشی در روش‌های تبلیغ دینی، مدیریت فضای مجازی در حوزه آموزش‌های دینی، تبلیغات دینی، ارائه الگوهای مختلف تربیت دینی و دین‌داری نوجوانان پیشنهاد می‌شود. از این رو نظام تربیت رسمی و عمومی جهت موفقیت در فرایند بازاندیشی لازم است به فراهم نمودن فرایند پژوهش محوری در فرایند تربیت دینی اقدام نماید. حاکمیت فرایند پژوهش محوری در فرایند تربیت دینی شرایطی فراهم می‌کند که معلم و فراگیر (چه در قالب مدرسه، چه در قالب خانواده و سایر نهادهای تربیتی) در فرایند تربیت دینی همواره برانگیخته و پویا باشند و بر این باور باشند که می‌توان آموزه‌های دینی را محل چون‌وچرا قرار داده و با پاسخ‌های متنوع می‌توان فضای یادگیری - یاددهی پیوسته و پرسش محور، غیرخطی را خلق نمود.



از محدودیت‌های این مطالعه این است که کارگزاران آموزشی که به‌عنوان مشارکت‌کننده در این مطالعه حضور داشتند (مدیر، معاون تربیتی و اجرایی و دبیر دین و زندگی) از مدارس دخترانه متوسطه دوره دوم انتخاب شده بودند. از این رو دیدگاه مدیران، معاونان اجرایی و تربیتی و دبیران دین و زندگی مدارس پسرانه مورد مطالعه قرار نگرفته است؛ چه بسا آنان دارای دیدگاه‌هایی متفاوت باشند.

### منابع

- قرآن کریم.
- اسدی شیاده، سیده مریم (۱۳۹۰)؛ «بررسی انواع دین‌داری در بین زنان شهرستان آمل (مقایسه دین‌داری دختران متولد دهه ۱۳۶۰ با دین‌داری مادرانشان)»، *پایان‌نامه، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی*، دانشگاه علم و فرهنگ.
- باقری، خسرو (۱۳۹۲)؛ *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.
- باهنر، ناصر (۱۳۹۴)؛ *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- بداشتی، علی‌الله (۱۳۹۷)؛ «تأملی در معناشناسی دین‌داری و دین‌گزینی»، *دوماهنامه اجتماعی - فرهنگی*، ۱۹(۴) و ۲۰(۴): ۶۶-۷۱.
- بهار، مهری؛ رحمانی، سحر (۱۳۹۱)؛ «بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دین‌مداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ با تأکید بر بعد مناسکی»، *فصلنامه جامعه‌شناختی مطالعات جوانان*، ۳(۶): ۳۶-۹.
- بهرامی، محمد (۱۳۸۳)؛ دین‌گزینی، «عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، ۱۱ (۱۰ پیاپی): ۳۸-۶۹.
- تقوی راد، سمیه (۱۳۹۳)؛ «آسیب‌شناسی تربیت دینی و علل گرایش دانش‌آموزان به عرفان‌های نوظهور»، تهران: دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ *شرح غررالحکم و دررالکلم*، ج ۱، قم: مکتب‌الاعلمی و اسلامی.
- متقی هندی، علی (۱۹۹۹)؛ *کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جمالی فیروزآبادی، اخلاقی، آزیتا (۱۳۹۱)؛ «رابطه هویت دینی معلمان با هویت دینی دانش‌آموزان مدارس شهر تهران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ۲(۴): ۱۰۲-۷۹.
- حسن‌پور، آرش؛ شجاعی زند، علیرضا (۱۳۹۳)؛ «گونه‌شناسی دین‌داری جوانان شهر اصفهان»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۵(۵۶ پیاپی): ۳۹-۱۷.
- حسن‌پور، آرش؛ معمار، ثریا (۱۳۹۴)؛ «مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دین‌داری خود مرجع»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۸(۳): ۱۳۱-۹۹.
- حیدری، آرمان؛ میرفردی، اصغر؛ رضانی باصری، عباس (۱۳۹۲)؛ «مقایسه جنسیتی هویت دینی و رابطه آن با مصرف رسانه‌ای»، *دین و ارتباطات*، ۲(۲۰): ۴۳-۵.
- خسرو خاور، فرهاد (۱۳۹۳)؛ *گونه‌های جدید دین‌داری در ایران*، ترجمه: آرش حسن‌پور، قابل‌دسترس در وبگاه ترجمان.

- دشتی خویدکی، منصوره؛ حسینی، سید حسن (۱۳۹۴)؛ «بررسی مقایسه‌ای میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی و رابطه آن با میزان داری»، *مطالعات زن و خانواده*، ۲(۳): ۱۸۳-۱۵۱.
- دینانی، ابراهیم (۱۳۹۷)؛ «عوامل دین‌گریزی»، *دوماهنامه اجتماعی - فرهنگی*، ۴(۱۹ و ۲۰): ۱۰-۱۴.
- سام دلیری، کاظم (۱۳۹۴)؛ «انواع دین‌داری و روحانیت، بررسی تأثیر نوع دین‌داری بر تبعیت از روحانیان»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، ۱۳(۴): ۸۳-۵۳.
- سجادی، سید مهدی (۱۳۹۵)؛ «فضای مجازی و نو مفهوم‌پردازی در مؤلفه‌های تربیت دینی: چالش و ضرورتی مغفول در نظریه‌پردازی‌های تربیتی»، *پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۴(۳): ۲۳-۳۲.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ امین خندقی، مقصود؛ باغگلی، حسین؛ محمدی چابکی، رضا (۱۳۹۵)؛ «بررسی دیدگاه دانش آموزان پایه سوم متوسطه پیرامون تحقق اهداف قلمرو عمل و رفتار برنامه درسی دین و زندگی»، *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی* ۱(۲): ۱۲۷-۹۹.
- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰)؛ *مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۹۵)؛ «مدلی برای دین‌گریزی در ایران»، *راهبرد فرهنگ*، ۹(پیاپی ۳۵): ۳۱-۷.
- شمشیری، بابک؛ زارعی، لیلا؛ شیروانی شیرینی، علی (۱۴۰۰)؛ «آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت دینی در دانش آموزان متوسطه از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش آموزان»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت دینی در دانش آموزان متوسطه*، ۲۹(۲): ۲۸۳-۲۶۵.
- صمدی، معصومه (۱۳۹۶)؛ *ارزشیابی از کتاب‌های جدید التالیف هدیه‌های آسمان پایه دوم و ششم*، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)؛ «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه و مدیریت راهبردی*، ۵(۲): ۱۹۸-۱۵۱.
- عالم زاد، مریم؛ رستگاری، ثمینا (۱۳۹۴)؛ «دین‌داری جوانان، ایدئال و واقعیت‌ها (بررسی محدودیت‌های گفتمان‌های دینی در تحلیل دین‌داری جوانان (شهر تهران))»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۱(۲): ۱۸۸-۱۵۹.
- عبدی رزین، سهراب؛ فقیهی، علی‌نقی؛ ضمیری، محمدرضا (۱۳۹۷)؛ «نقش دین‌داری در سلامت روان، هویت‌یابی و امنیت اجتماعی دانشجویان دانشگاه قم»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۹(۳) پیاپی ۷۵: ۱۲۲-۹۹.
- عوض زاده، ابوطالب؛ کریمی باغ‌ملک، آیت‌الله؛ رضایی، صادق (۱۳۹۹)؛ «آسیب‌شناسی تربیت دینی و تدوین الگویی برای دین‌پذیری مشتاقانه مطالعه موردی (دانش آموزان متوسطه دوره دوم استان کهگیلویه و بویراحمد)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی قرآن و طب*، ۵(۳): ۱۲۲-۱۰۹.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۱)؛ «تغییر الگوهای دین‌داری»، *مهرنامه*، ۲۴: ۱۹۶-۱۹۵.
- فهرمانی فرد، کامیار؛ قلعه‌ای، علی‌رضا (۱۳۹۰)؛ «نگرش آسیب‌شناسانه به چالش‌ها و موانع تربیت دینی»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۰(۱): ۹۲-۷۳.
- کریمی، رضا؛ محسنی تبریزی، علیرضا؛ نوابخش، مهرداد (۱۳۹۵)؛ «تبیین جامعه‌شناختی مشارکت جوانان، علل، صور و چالش‌ها»، *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۵(پیاپی ۳۳): ۳۸-۱.
- ماهرزاده، طیبه (۱۳۹۲)؛ «جهانی‌شدن و هویت‌یابی دینی نوجوانان»، *فصلنامه تربیت اسلامی*، ۸(۱): ۱۶۲-۱۳۹.
- محمدی قشلاق، پریوش (۱۳۹۷)؛ «مطالعه هوش معنوی در تعلیم و تربیت مذهبی دانش آموزان دبیرستان در ارومیه با تأکید بر دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی*، ۸(۴): ۱۸۲-۱۶۵.



- محمودی، سیروس (۱۳۹۷)؛ «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه دوم از نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس»، *فصلنامه رهیافت فرهنگ دینی*، ۱(۳): ۱۰۵-۹۰.
- مزیدی، محمد؛ ایران پور، ماه منیر؛ خوشبخت، فریبا (۱۳۹۵)؛ «ادراک دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز نسبت به فعالیت‌های پرورشی مدارس و بررسی رابطه آن با متغیرهای زمینه‌ای»، *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱(۲): ۳۲-۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)؛ *تفسیر نمونه قرآن کریم*، دفتر نشر معارف اسلامی.
- میرفردی، اصغر؛ ولی نژاد، عبدالله (۱۳۹۵)؛ «مطالعه نقش تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد دین‌داری دانشجویان»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۴(۲): ۹۰-۷۳.
- نجفی، حسن؛ ملکی، حسن؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ مصباح، علی (۱۴۰۰)؛ «هویت دینی و پیش‌بایست طراحی برنامه درسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۲(۱): ۲۶-۳.
- نوری، علی؛ مهر محمدی، محمود (۱۳۹۰)؛ «الگوی برای بهره‌گیری از نظریه برخاسته از داده‌ها در پژوهش تربیتی»، *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، ۶(۲۳): ۸-۳.
- Strauss, A & Corbin, J. (2010); *Basics of qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd ed, sage publication, Thousand Oaks, CA, USA.